

نکاتی به مناسبت اعتصاب کارگران "ایران خودرو"

فرهاد شعبانی

شنبه بیست نهم تیر هشتاد و هفت

اعتصاب کارگران "ایران خودرو" یکی از رویدادهای مهم کارگری در چند هفته اخیر بود که توجه زیادی را در داخل و خارج از ایران به خود جلب کرد. این اعتصاب شکل عالی تر و سازمان یافته تر اعتراضات تکنونی کارگران "ایران خودرو" و بازتاب توازن قوای مابین کار و سرمایه و ادامه منطقی مبارزات کارگران در سطح گسترده تری است. ارزیابی از این اعتصاب و آموختن از درسهایش وظیفه و رسالت کارگران و پیشروانی است که در برپا کردن آن نقش داشتند. بجای آن نکاتی را درباره خواستها و مطالبات کارگران در شرایط حاکمیت سرمایه داری و فاکتور مهم در دستیابی به این مطالبات را تنها و تنها جهت انتقال و تبادل تجربه از نظر می گذرانم.

بعنوان مقدمه باید اشاره کنم که تا رسیدن به شرایطی که کارگران تولید، توزیع و سود حاصل از فروش کالاهائی که با دستان خود تولید می کنند را به کنترل درآورند، راه درازی در پیش داریم. این مسیر سنگلاخی را باید با مبارزه ائی سازمان یافته و همدل، متحد و بی تردید و مهمتر از همه با دخالت نمایندگان و تشکلهای مستقل کارگری و مشارکت مستقیم خود کارگران در آن پیش برد. به موضوع برگردم.

در بخشی از اطلاعیه ائی که کارگران "ایران خودرو" روز جمعه ۱۴ تیر ماه ۱۳۸۷ در رابطه با اعتصابی که به آن دست زدند، چنین آمده بود: "مگر ما کارگران چه می خواهیم. ما می گوئیم تا کی ما کارگران باید روزهای جمعه را کار کنیم. ما از بچه هایمان خجالت می کشیم. در کجای دنیا یک کارگر روز تعطیلی ندارد".

در پاسخ شما کارگران همسرنوشت باید گفت که شما نباید حتی یک روز جمعه را کار کنید. شما نه تنها نباید از بچه هایتان خجالت بکشید، بلکه حق طبیعی و انسانی شماست که روزهای جمعه را فارغ از کار و مشکلات محیط کار، در کنار خانواده و بچه هایتان باشید و برنامه های اوقات آزادتان را آنطوریکه دلتان میخواهد برنامه ریزی و همگی در آن سهیم باشید. در بسیاری از کشورهای دنیا کارگران در طول هفته نه یک روز بلکه از دو روز تعطیلی برخوردارند. دلیلی ندارد که شما از این حق برخوردار نباشید.

اما واقعیت این است که کارگران بسیاری از این کشورها ابتداء از چنین حقوقی برخوردار نبودند، بلکه به آن دست یافتند. بحث بر سر این است که کارگران این کشورها چگونه و به چه شیوه ائی به این خواستها دست یافته اند؟

پاسخ روشن است. در تمام دنیا چنین دستاوردهائی محصول مبارزات متشکل و سازمان یافته خود کارگران بوده و در فرایند آن وجاهت قانونی یافته است. دستاوردهائی که طی چند دهه اخیر توسط سرمایه داران و دولتهایشان در تمام دنیا مورد تعرض قرار گرفته و هم اکنون کشمکش بر سر حفظ یا از کف دادن آنها بخصوص در کف کارخانه ها و کارگاهها در جریان است. این کشمکش طبقاتی تنها مختص به ایران و کارخانه شما نیست.

در حال حاضر در بسیاری از کشورهای غربی کارفرمایان با توجیه پاسخ به سفارشات و نیاز مشتریان، کاهش هزینه تولید

تا سطح رقبا، گریز از پرداخت بیمه های اجتماعی و کاهش هزینه نیروی کار بطور مشخص، دست به تهدید و اجرای انتقال فعالیت های اقتصادی خود به کشورهاییکه نیروی کار در آنها ارزان است، تلاش برای واداشتن کارگران به کار در روزهای تعطیل با هزینه کمتر، تحمیل قرار دادهای موقت کار به کارگران، استفاده از شرکتهای خدمات نیروی انسانی (شرکتهایی که نیروی کار اجاره میدهند) و بکارگیری شرکتهای پیمانکاری را در سطح گسترده ائی رواج داده و با تاسف فراوان بسیاری از اتحادیه های کارگری تحمیل این شرایط ناامن شغلی به کارگران را پذیرفته اند؛ و بدین ترتیب امنیت شغلی به معنای کلاسیک آن (داشتن یک قرارداد دائم شغلی بعنوان ضمانت اجتماعی) با مخاطره جدی روبروست. بنابراین شرایط برای طبقه کارگر و مردم تهیدست در همه دنیا کم تا بیش یکسان است. گسترش بیکاری، ناامنی شغلی، اجتماعی شدن فقر همه و همه با تفاوت های اندک به سرنوشت یکسان طبقه کارگر تبدیل شده است.

اما باوجود همه این دست درازیهای سرمایه داری به دستاوردهای طبقه کارگر، هنوز مبارزاتی پیگیر و رادیکال در درون و بیرون از اتحادیه های کارگری برای حفظ دستاوردهای مبارزاتی کارگران در سطح گسترده ائی در جریان است و شرایطی که به آن اشاره شد تثبیت شده و قطعی نیست. هنوز طبقه کارگر با مبارزه و مقاومت سنگر به سنگرش اجازه نداده است که سرمایه داری بتواند چنین استراتژی ضدکارگری را به جنبش کارگری جهانی تحمیل کند. منتهی در کشورهاییکه طبقه کارگر سازمان یافته و متشکل است، توان و ظرفیت مقاومت و مقابله اش با تعرض سرمایه داران بیشتر و بالاتر از کشورهای است که طبقه کارگر هنوز دارای تشکلهای مستقل خود نیست.

در حال حاضر در بسیاری از کشورهای کار در روزهای تعطیل اصولاً ممنوع است و هر کارگری حق دارد که ۲۴ ساعت شبانه روز را به سه بخش ۸ ساعته، ۸ ساعت کار، ۸ ساعت وقت آزاد و ۸ ساعت استراحت شبانه روزی تقسیم و از مزایا و خواص آن بهرمنند شود. علاوه بر این، مطابق تحقیقاتی علمی جسم کارگر در طول هر هفته کاری حداقل به ۳۶ ساعت استراحت نیاز دارد و از این رو دو روز تعطیلی آخر هفته نیز در بسیاری از کشورهای پیشرفته به سرمایه داری تحمیل شده و رسمیت قانونی یافته است.

حتی در این موقعیت نابرابری که به آن اشاره رفت، و درحالیکه طبقه کارگر بر مقدرات خود حاکم نیست و سرمایه داری سود ناشی از نیروی کار کارگر را به یغما می برد، اگر بخواهد این حقوق پذیرفته شده کارگر مبنی بر بهرمندی از اوقات آزاد و استراحت را نقض کند، باید متقاضی خرید آن و بابتش هزینه فوق العاده ائی بپردازد؛ آنهم تنها و تنها در توافق با خود کارگران و تشکلهای کارگری و در صورت تمایل و رضایت آنهاست می تواند نیروی کار کارگر را در این اوقات خریداری نماید.

برای مثال در بسیاری از کشورهای پیشرفته و دارای سنتهای جا افتاده کارگری و تشکلهای قدرتمند، سرمایه داران و کارفرمایان نمی توانند کارگر را به کار اجباری در روزهای تعطیل وادار نمایند و روز تعطیل کارگر را به "روز تولید" تبدیل کنند. کارفرمایان نمی توانند اضافه کاری را برنامه ریزی کنند. اضافه کاری تنها در صورتی می تواند از کارگر تقاضا شود که رویداد غیر مترقبه ائی در محیط کار اتفاق افتاده باشد بطوریکه نه کارگر و نه کارفرما نتوانسته باشند آن را پیش بینی و یا از وقوع آن جلوگیری کنند.

بنابراین کارفرما برای تمام این موارد، تولید در روزهای تعطیل، کار شیفتی، کار شبانه در صورت نیاز جامعه به آن و اضافه کاری، از آنجا که از حقوق انسانی و اجتماعی پذیرفته شده کارگر هزینه می کند، باید بابت آن، آنهم در صورتیکه

کارگر و تشکل کارگری راضی به چنین توافقی باشند، علاوه بر حقوق معمولی هزینه ویژه تری بپردازد. فوق العاده روزهای تعطیل نباید کمتر از میزان دستمزد روزهای عادی باشد. یعنی کارگری که روز تعطیلی خود و بودن در میان خانواده و فرزندانش را قربانی می کند و برای سرمایه دار کار می کند. باید از فوق العاده ائی معادل حقوقش برخوردار شود. و همچنین در ازای کار در یک روز تعطیل باید از حق استفاده از یک روز مرخصی با حقوق در یک روز دیگر برخوردار شود. هزینه تولید در روزهای تعطیل برای کارفرما باید گرانتر تمام شود. از طرفی دیگر، از آنجا که آغاز و پایان کار مطابق طبیعت وجود انسان باید از ساعت ۶ صبح تا ۶ بعد از ظهر بعنوان زمانی مناسب برنامه ریزی شود، لذا کارگری که به کارشifterی می پردازد باید از حق شیفت و فوق العاده شرایط نامناسب کار نیز برخوردار باشد. تقاضای انجام کار از کارگر در ساعتهای خارج از این چارچوب باید مستلزم پرداخت فوق العاده گردد. چون بدون تردید انجام کار خارج از زمان مناسب در دراز مدت به سلامتی کارگر لطمه وارد خواهد کرد. کار دائمی شبانه باید ممنوع اعلام شود. اما در صورت تشخیص نیاز جامعه به آن کارفرما باید فوق العاده ائی در سطح فوق العاده روزهای تعطیل بابت انجام آن توسط کارگر پرداخت نماید و کارگرانی که به کار دائمی شبانه می پردازند هر ۶ ماه یکبار با هزینه کارفرما باید مورد معاینه و چکاپ پزشکی قرار گیرند. بخصوص قلب آنها باید با دقت مورد معاینه قرار گیرد.

با توجه و علم به نکات فوق که فرایند مبارزات بخشهای زیادی از طبقه کارگر جهانی است، کارگران " ایران خودرو" را نه تنها نباید به کار اضافی اجباری و اداشت، بلکه کارفرما در صورت چنین تقاضائی هزینه بیشتری باید بپردازد، آنها تنها در صورت تائید آن توسط تشکلهای مستقل کارگری و با توجه ویژه به حفظ سلامتی و رعایت اوقات آزاد و استراحت کارگران و نه سود سرمایه داران.

کارگران هم برای رسیدن به این خواستها و دیگر مطالبات صنفی شان هیچ راهی جزء برافراشتن پرچم ایجاد تشکلهای مستقل کارگری ندارند. مبارزه برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری باید در صدر تمام اولویتهای مبارزاتی کارگران در ایران قرار گیرد. تجربه تمام کارگران جهان نیز بر این اصل استوار است. ایجاد تشکلهای مستقل کارگری برای پیشروی و تحمیل خواستها و مطالبات کارگری به کارفرمایان و دولت شاه کلید حل مشکلات دیگر در محیط کار و جامعه کارگری است.

فرهاد شعبانی